

ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا!! در رابطه با تحریم نمایش فلم «مدرسه» از طرف سفارت ایران در کابل

در این روزها مسئله تحریم نمایش فلم های افغانی «مدرسه» و «همسایه» اولی در کابل و دومی در مزارشریف، از طرف سفارت ایران توجه همه وطن پرستان و رسانه های صوتی و تصویری را در داخل و خارج افغانستان بخود جلب کرده است.

به اساس نشرات معتبر پورتال افغان جرمن آنلاین و تلویزیون آریانای کابل و تعدادی از رسانه های داخل و خارج، چند روز قبل، وقتی بناغلی اسد سکندر کارگردان فلم «مدرسه» می خواست نمایش فلم خود را که حکایت از بی عدالتی جنایتبار دولت آخوندی ایران در حق پناهندگان افغان در آن کشور میگرد، در تالار سینمای مرکز کلتوری فرانسه (لیسه استقلال) در محضر روزنامه نگاران و مدعوین آغاز کند، از طرف مسوولین مرکز کلتوری از نمایش آن فلم جلوگیری گردید و دلیل ممانعت نشر آنرا دستور ریاست افغان فلم به اثر هدایت سفیر ایران در کابل خواندند.

من چنین فهمیدم که سفیر ایران این دستور را که خلاف همه تعاملات و موازین دیپلماتیک میباشد، از طریق تلفون ریاست افغان فلم صادر کرده است، مثلیکه در سابق هم چنین یک حرکت نامشروع اشتباه سیاسی را در مورد ارسال شکایت نامه ای از داکتر رمضان بشردوست، به وزارت عدلیه و لوی څارنوالی افغانستان کرده بود که ما از طریق رسانه ها از آن اطلاع حاصل کرده بودیم، و بحال دولت آخوندی ایران از عدم آگاهی و رعایت مراتب دیپلوماسی در مناسبات با دولت افغانستان و به حال دولت افغانستان بخاطر ناتوانی و عجز سیاسی اش تأسف خورده بودیم.

قاعده معتبر دیپلماتیک بین المللی این است که هرگاه سفیری بخواهد موضوعی را با مقامات کشور میزبان در میان گذارد و یا مطرح سازد، تنها اجازه دارد از طریق وزارت امور خارجه همان کشور اقدام نماید، آنهم برای مطالبی که مداخله در امور آنکشور تلقی نشود و خارج از پروتوکول های تشریفاتی معمول نباشد.

چنین حرکات دور از عرف دیپلماتیک از طرف سفارت یک کشور خارجی در امور وزارتخانه های افغانستان، کاملاً خلاف تعامل دیپلوماسی و قطعاً معمول و مقبول نبوده و میتوان آنرا مداخله صریح در امور کشور محسوب کرد، و نه تنها به هیچصورت قابل پذیرش نیست بلکه قابل اعتراض نیز میباشد. این حرکت سفیر ایران در کابل را میتوان از قماش حرکات دور از منطق دیپلوماسی بشمار آورد. چه کاری که بناغلی سفیر ایران در قسمت تحریم این فلم افغانی در خاک افغانستان کرده یک مداخله صریح در امور فرهنگی یک کشور مستقل بوده و مخالف همه اساسات دیپلوماسی میباشد. چه رسد که این دستور از طرف سفیر یک مملکت خارجی صادر شده باشد که مأمور عادی در بین هزاران مأمور دیگر آن کشور است. لازم بود این جناب به حیث شخص نا مطلوب (personne non grata) از افغانستان خارج میشد.

این واقعه مرا به یاد افغانستان پنجاه سال قبل انداخت که از هر نوع وقار و عزت سیاسی و احترام بین المللی بر خوردار بود. آن زمان، زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه بود. بیاد دارم که در سینما پارک فلم «جمیله» (۱) الجزایری را که صحنه هایی از جنگ مقاومت و آزادی خواهی ملت الجزایر را در برابر استعمار فرانسه نشان میداد. در آنزمان در رادیو و اخبار های کابل که از جنگ الجزایر و فرانسه نگاشته میشد از «جمیله» دختر مبارز الجزایری به حیث «ملالی» الجزایر یاد می گردید.

وقتی فلم «جمیله» در سینمای پارک (شهرنو کابل) به نمایش گذشته شد و دیوارهای سینما با پوسترهای بزرگ «جمیله» مزین گردید، و شب و روز مردم کابل به تماشای آن میرفتند و از دیدن آن دل و دماغ خود را تازه میکردند سفیر دولت فرانسه در افغانستان، موسیو «هیوگ ژان دو دیانوس» (Hugues Jean de Dianous) (۲) به رسم احتجاج بر نمایش آن فلم شخصاً به محل سینمای پارک رفته پوسترهای فلم را پاره پاره نمود. مدیر سینما بدون فوت وقت موضوع را به رئیس افغان فلم و رئیس افغان فلم به وزیر مطبوعات وزیر مطبوعات موضوع را به سرعت به وزارت امور خارجه که سردار محمد نعیم خان در رأس آن قرار داشت خبر داد. این فاجعه دیپلوماسی بسیار به سرعت به اطلاع صدراعظم افغانستان مرحوم سردار محمد داوود خان و بالاخره به استحضار شخص اعلیحضرت رسید. بلا استثنی از طریق وزارت امور خارجه به سفیر مذکور امر داده شد تا در ظرف ۴۸ ساعت افغانستان را ترک گوید و به کشور فرانسه خبر داده شد که سفیر شان منحیث شخص نامتلوب از افغانستان خارج گردید.

دیپانو شمیره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

ببینید تفاوت ره از کجاست تا کجا؟؟

ابن وظیفه وزارت اطلاعات و فرهنگ بود تا موضوع را به وزارت امور خارجه یعنی زلمی رسول و او موضوع را به شخص رئیس دولت میرسانید و رئیس دولت منحصی شخص درجه اول مملکت می باید از وقار و عزت افغانستان جداً دفاع میکرد و سفیر ایران را اگر در ظرف ۴۸ ساعت اخراج نمیکرد، لا اقل تقاضای برطرفی او را از دولت ایران می نمود، ولی بدبختانه که رئیس دولت ما آقای کرزی در نزد سفیر کشور ایران دهن پرآب است و از لام تا کام گفته نمیتواند و اگر بگوید، سفیر بکس های پر از پول را که به حامد کرزی داده است برخش خواهد کشید و آنگاه کرزی رسوا بود رسواتر میشود. بلی کشورهای همسایه تا در مقامات بلند دولت ما غلامان حلقه بگوش داشته باشند وضع به همین منوال دوام خواهد کرد.

در ولسی جرگه افغانستان دو زن قهرمان در برابر چنین تجاوز ایران برمیخیزند ولی صد ها نامرد این وطن لب از لب نمی گشایند. و از ملالی و ناهید و جمیله نمی شرمند.

پایان

(۱) فلم «جمیله» سرگذشت و شهادت زن الجزایری را بنام جمیله نشان میداد که جسورانه در جبهات مقاومت و آزادی خواهی کشورش در برابر فرانسه که وطنش را در قبضه استعمار خود داشت می جنگید. جنگ الجزایر در سال های ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ با ایجاد «جبهه نجات ملی» (FLN) بصورت مخفی و نا منظم آغاز و در سال ۱۹۵۴ رسماً با حمایت یک سلسله کشور های جهان از جمله افغانستان عزیز بصورت علنی و گرم شروع گردید و تا پیروزی مدت نه سال دوام نمود.

(۲) در این زمان موسیو «هیوگ ژان دو دیانوس» وزیرمختار دولت فرانسه در کابل بود که در هنگام این اتفاق ناگوار دیپلوماتیک در غیاب سفیر موسیو میشل بریال (Michel Bréal) که به فرانسه رفته بود، متکفل مقام سفارت هم بود.

باید اضافه کنم که دو دیانوس یکی از نجبای فرانسه بود که بهترین تحصیلات نموده و با شش زبان مختلف کاملاً تسلط داشت و در ایام دونیم سال مأموریتش در افغانستان لسان دری را هم با تمام باریکی هایش آموخته بود. این شخص با وجود این حرکت ناسنجیده و عجولانه اش (که شاید هم از پاریس برایش دستور داده شده باشد) یکی از عاشقان افغانستان بود و کشور ما را با وجود اخراج شدنش از جان و دل دوست داشت. من تا سال ۲۰۰۱ که در پاریس وفات نمود با او در تماس بودم. او همه اخبار افغانستان را با عشق و علاقه تعقیب میکرد و وقتی از افغانستان گپ می زد چشمانش پر اشک می شد.